



ISSN: 2423 - 7655



فصلنامه علمی ترویجی مهدویت  
شماره سی و دوم / سال هشتم / بهار ۱۳۹۹

## آثار مترتب بر صرف وجود امام در نظام آفرینش

مجتبی تاریوردی زاده<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱

### چکیده

صرف وجود امام در نظام آفرینش، آثاری دارد که در متون حدیثی مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به غیبت امام دوازدهم و تشکیک مخالفان تشیع در فوائد وجودی ایشان، آشنایی با آنها سبب افزایش معرفت مؤمنین و تقویت باورها می‌گردد. از مهم‌ترین آثار وجودی امام، واسطه بودن ایشان در فیوضات الهی می‌باشد. نوشتار پیش رو بعد از مفهوم‌شناسی واژه «فیض»، بیان مراد از آن و تبیین جایگاه امام به عنوان واسطه فیض الهی بر بندگان، موارد متعددی از وساطت را ارائه می‌دهد. وساطت در بقاء نظام هستی، امنیت زمینیان، رفع عذاب از اهل زمین، بقاء فرصت اصلاح، نزول برکات آسمانی و خروج برکات زمینی از جمله مصادیق آن می‌باشند. نگارنده با بهره‌گیری از آیات و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و با رویکرد توصیفی - تحلیلی سعی در توضیح هر کدام از این عناوین دارد. در این روش بر خلاف روش متکلمین که بیشتر تکیه بر مباحث عقلانی و منطقی دارد؛ تکیه مباحث بر منابع حدیثی و وحیانی می‌باشد. واژگان کلیدی: آثار وجود امام، وساطت فیض، نظام آفرینش.

۱. پژوهشگر بنیاد فرهنگ جعفری، قم، ایران. (M.tariverdi313@gmail.com).

## مقدمه

باور شیعیان به وجود همیشگی امام و حجت الهی در زمین، این انتظار را پدید می‌آورد که امام، همیشه در بین مردم حضور ظاهری خواهد داشت. این حالت مادامی که به حبس، محاصره و احضار امام به نزد حاکم ستمگر ختم گردد، سبب بروز مشکلی جدی و یا دست کم شبهه اعتقادی نمی‌شود. اما در صورت منتهی شدن این امر به غیبت طولانی و عدم حضور امام در عرصه اجتماعی، می‌تواند اندیشه ضرورت وجود امام را در ذهن مسلمانان به چالش بیاورد. این مطلب در کنار روحیه غالب انسان‌ها که توجه و تمایل زیادی به امور محسوس دارند،<sup>۱</sup> امری دور از انتظار نمی‌باشد. افزون بر آن، کلام کسانی که وجود امام غائب را بدون فائده و اعتقاد به آن را امری لغو می‌پندارند، منجر به تقویت چنین نتیجه‌ای گردیده است. از جمله افراد شاخصی که چنین اظهاراتی را بیان کرده‌اند می‌توان به ابن تیمیه (نوری، ۱۴۰۰: ۲۰۱)،<sup>۲</sup> تفتازانی (تفتازانی، ۱۴۰۹: ج ۵، ۳۱۳) و قاضی عبدالجبار معتزلی (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۵-۱۹۶۲: ج ۱، ۵۷) اشاره کرد.

از گذشته تا به امروز برای پاسخ به مسئله فواید وجودی امام در زمان غیبت، پاسخ‌هایی داده شده است. بزرگانی چون شیخ طوسی و سیدمرتضی و شیخ مفید از پیشگامان در این مسئله می‌باشند (جمیل حمود، ۱۴۲۳: ج ۲، ۶۳۹؛ طوسی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۰۶؛ مفید، ۱۴۱۳: ج ۱، ۱۱). البته باید توجه داشت که اصل بحث از آثار وجودی امام، نیازی به مطرح شدن زمان غیبت امام ندارد اما مسئله غیبت، بهانه‌ای مهم برای انکار فائده و آثار وجود امام شده است. در نتیجه غالباً عالمان دینی به این موضوع در مسئله غیبت امام دوازدهم پرداخته‌اند. روایات زیادی موجود است که از آثار مربوط به امام سخن می‌گویند. بخشی از روایات،

۱. البته این نحوه برداشت در زمان پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام نیز بوده است و تا مسئله غیبت امام دوازدهم مطرح می‌شد با تعجب، نحوه انتفاع از وجود امام را پرسش می‌کردند. همین مطلب به خوبی دلالت دارد که ذهن غالب افراد در جامعه حتی شیعیان و پیروان مکتب تشیع نیز به سبب عدم معرفت صحیح نسبت به شئون امام، انتفاع از وجود امام را در صورت حضور و ظهور ایشان می‌دانستند و در صورت غیبت امام این مطلب باعث تردید و تعجب ایشان می‌گردید. در چنین صورتی بهترین پاسخ را پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام برای تبیین این مطلب بیان کرده‌اند به نحوی که امروز نیز بهترین پاسخ به این مسئله همین پاسخ می‌باشد. تشبیه امام غائب به خورشید پشت ابر و استمرار انتفاع از خورشید حتی در پشت ابر، گویای زوایای خوبی از این مسئله می‌باشد. عالمان بزرگی چون علامه مجلسی<sup>رحمته‌الله</sup> به برخی از زوایای این تشبیه پرداخته‌اند که ما را در فهم عمیق‌تری نسبت به این تشبیه یاری می‌رساند (بحارالانوار، ج ۵۳، ۹۳).

۲. «قال ابن تیمیة من علماء الحنابلة في منهاج السنة: مهدي الرافضة لا خير فيه اذ لا نفع ديني ولا دنوي لغيبته».

بیان‌کننده آثار می‌باشد که بر معرفت و قبول ولایت امام، مترتب است. بخش دیگری از آنها به آثار اعمال، گفتار و تصرفات امام (چه تصرف ظاهری و چه تصرف باطنی) مربوط می‌باشد. در نهایت قسم سوم از روایات که موضوع این مقاله را شکل می‌دهند، به آثار صرف وجود امام در جهان آفرینش می‌پردازند فارغ از آثار اعمال، گفتار و هم‌چنین تصرفات ایشان. آن‌چه سبب تأثیرگذاری شبهات مذکور در جامعه شیعی می‌شود، عدم آگاهی از فوائد قسم اول و سوم می‌باشد. غالب پاسخ‌ها در شبهات مذکور ناظر به آثار و فوائدی است که مرتبط با معرفت، اعمال و تصرفات امام می‌باشد و نسبت به فوائد وجودی امام، کمتر سخن گفته می‌شود. هم‌چنین اصلی‌ترین پاسخ‌های بزرگانی چون شیخ طوسی، سیدمرتضی و شیخ مفید، پرداختن به دو بخش اول و دوم از این فوائد بوده است.

نگارنده از طرفی به جهت معرفت‌افزایی و تقویت قلوب شیعیان در برابر شبهات و وساوس شیطانی، مبنی بر عدم ترتب اثر بر وجود امام غائب از طرفی دیگر به جهت تبیین بخشی از آموزه‌های شیعی، به آثار صرف‌الوجودی امام پرداخته است. تلاش پیش رو با استناد به آیات و روایات بوده و البته در مواردی نیز به تحلیل عقلی و منطقی پرداخته است. ابتدا با بررسی واژه «فیض» به معنای وساطت توجه داده می‌شود سپس مصادیق این نوع وساطت که در متون حدیثی موجود است هر کدام به صورت جداگانه تبیین می‌گردد.

پیش از این بزرگانی این موضوع را در ضمن مسائل کلامی و هم‌چنین به صورت مستقل مورد توجه قرار داده‌اند. از متقدمین، شیخ مفید در رساله‌ای در مورد غیبت در ضمن آثار امام غائب بدان پرداخته‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ج ۱، ۱۱) و از معاصرین نیز حجت‌الاسلام ربّانی گلپایگانی در مقاله‌ای مستقل با عنوان «نقش غائی امام در نظام آفرینش» مورد بررسی قرار داده‌اند. بنابراین از جمله تفاوت‌های این نوشتار با تلاش‌های قبلی می‌توان به سه مورد اشاره کرد: یکم. واکاوی معنای واژه فیض در اصطلاح «وساطت فیض» که به نظر می‌رسد در مقالات دیگر این مطلب مغفول مانده است؛

**دوم.** بررسی آثار بر پایه احادیث و کتاب خدا که آثار را بر پایه عقل و منابع وحیانی بیان کرده‌اند؛

**سوم.** توجه داشتن به آثار صرف وجود حجت الهی و این‌غیر از آثار محبت، معرفت و دستورات امام می‌باشد.

هم‌چنین این آثار اعم از غائب بودن یا حضور امام است.

با توجه به متون حدیثی، بقاء عالم آفرینش، آرامش زمین و اهل آن، نزول نعمات آسمانی و خروج برکات زمینی به برکت صرف وجود امام در جهان، از جمله آثار به شمار آمده‌اند. در نتیجه برای تحقق چنین فیوضاتی، وجود حجت‌الهی در نظام آفرینش لازم می‌باشد. قبل از ایرائه و طرح آثار، تبیین مقام وساطت فیض که بستری برای بیان آنهاست، ضروری می‌نماید.

### وساطت در فیض الهی

لغت «فیض» در اصل بر معنای سیلان و جریان شیئی به سهولت، دلالت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۶، ۴۶۵). هرگاه چیزی در ظرف خود به حدی رسید که لبریز شده و از اطراف آن جاری شود می‌گویند: «فاض الشیء». گاهی متعلق آن اموری مادی است مانند، آب و اشک که در صورت کثرت و زیادی از اطراف رودخانه و چشم جاری می‌گردند. در این صورت گفته می‌شود: «فاض الماء» و «فاض الدمع». گاهی نیز متعلق آن امری معنوی است مانند، آسراری که سینه شخصی را پُر نموده و دیگر توان مخفی کردن آن را ندارد و اظهار می‌نماید. در این صورت نیز گفته می‌شود: «فاض صدّه بسره» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۷، ۶۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۸). از آن جا که این جریان، از کثرت افزودن بر چیزی ایجاد می‌گردد به نحو استعاره در مورد شخصی که کثرت جود و بخشش دارد «رجلٌ فیاض» استعمال شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۸؛ زمخشری، ۱۹۷۹: ۴۸۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ۱۲۸).

واژه «فیض» علاوه بر متکلمین در میان فلاسفه و عرفاء نیز رایج بوده و دارای معنای اصطلاحی خاص است. در نزد عرفاء، فیض همان ظهور تجلی همیشگی الهی در صور موجودات است (رفیق عجم، ۱۹۹۹: ۷۴۱؛ مجددی برکتی، ۲۰۰۹: ۱۶۸). هم چنین آنان تأکید زیادی بر عدم انفکاک موجودات از مبدأ فیض دارند. به نحوی که غزالی در توضیح فیض می‌گوید:

شایسته نیست که از فیض، همان فهمیده شود که از جریان آب از ظرف می‌فهمند. زیرا که در جریان آب از ظرف، بین جزئی از آب با آب درون ظرف انفصال و جدائی حاصل می‌شود. بلکه از فیض، چیزی را بفهم که از جریان نور خورشید بر دیوار می‌فهمی. چنین نیست که نور از جرم خورشید جدا شده و بر دیوار متصل شده باشد (رفیق عجم، ۲۰۰۰: ۵۶۷).

در نزد فلاسفه نیز فیض بر فعلِ فاعلی اطلاق می‌شود که همیشه و بدون عوض و غرض، جریان دارد. چنین فاعلی که دارای وجود ازلی و ابدی بوده مبدأ فیاض و واجب‌الوجود است.

مقصود فلاسفه از فیض، إفاضه بدون انقطاعِ جمیع موجودات از مبدأ واحد می باشد (جمیل صلیبا، ۱۴۱۴: ۱۷۲). در واقع فلاسفه و عارفان، قول به فیض عالم را در مقابل قول به خلقت از عدم، بیان کرده‌اند. خلقت در مذهب ابن عربی که از بزرگان عرفاء به شمار می‌آید به معنای ایجاد از عدم نیست بلکه ظهور و تجلی الهی در صور موجوداتی است که از شمارش خارج می‌باشند (سعاد الحکیم: ۸۸۹). بنابراین با توجه به گفته ایشانی «فیض» متضمن معنای صبرورت و بیان آفرینش و کیفیت صدور موجودات خواهد بود و زمانی که گفته می‌شود چیزی از دیگری إفاضه یافت یعنی به تدریج از آن صادر گردید (حنفی، ۱۴۲۰: ۶۲۷).

تعابیری مانند فیض، فیاض و وساطت فیض ظاهراً از فلاسفه و عرفاء دوران قبل از اسلام گرفته شده است. پس از آن فیلسوفانی چون ابن سینا و فارابی برای تطبیق نظریه فیض با مبانی اسلامی تلاش بسیاری کردند تا مسئله کیفیت خلقت عالم را کشف نمایند (ابن سینا، ۱۳۸۳: ۱-۱۲). هم‌چنین برای نگارنده به تدریج این تعبیر مانند تعابیری دیگر هم‌چون «انسان کامل»، «وجود»، «تجلی» و غیره بین متکلمین با توجه به اختلافاتی که در مبنای اعتقادی داشتند نیز رواج یافت. بدیهی است که ادبیات جدید در هر علمی می‌تواند منجر به فهم جدیدی گردد.

در نوشتار حاضر فیض، به معنای کثرت جود و بخشش می‌باشد و به همین جهت است که به نحو استعاره به فرد کثیرالوجود، رجل فیاض اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۸؛ زمخشری، ۱۹۷۹: ۴۸۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ۱۲۸). مراد از آن مطلق نعمت‌های الهی و إعطاء آنها از سوی خداوند بر موجودات می‌باشد. در این صورت دیگر معنای صدوری، فیض ازلی و قدّم عالم پیش نمی‌آید و خدشه‌ای بر قول «خلقت موجودات از عدم» که رأی متکلمین است وارد نمی‌گردد. زیرا متکلمین که از تعبیر واسطه فیض استفاده می‌کنند مرادشان معنای صدوری نیست.

هم‌چنین گاهی میان رساننده فیض و گیرنده آن واسطه‌ای وجود دارد که به سبب او این فیوضات جاری می‌شود. از آن جا که نظام حاکم بر این جهان، نظام اسباب و مسببات می‌باشد؛ بدین لحاظ فیض الهی با اسباب و واسطه‌هایی به مخلوقات می‌رسد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۸۳).<sup>۱</sup> با توجه به احادیث فراوان، خداوند فیض را به واسطه برخی بندگان شایسته خود بر مخلوقات جاری می‌کند. از این رو برکات زمینی و آسمانی علاوه بر دارا بودن اسباب طبیعی،

۱. «أبی الله أن یجری الأشياء إلا بالأسباب».

دارای سبب دیگری هستند که بر همه اسباب، مقدم می‌باشند. این بندگان که از شایستگی‌های خاصی در درگاه الهی برخوردارند در بین متکلمین متأخر، واسطه فیض نامیده شده‌اند.

شیعیان دوازده امامی به سبب وجود چنین روایاتی، معتقد به وساطت فیض امامان خویش هستند. یعنی هر آن چه از ناحیه خداوند متعال به خلایق می‌رسد و برکاتی که نازل می‌شود همه به واسطه وجود ایشان می‌باشد. در متون حدیثی و برخی از آیات قرآنی چنین شأن و جایگاه رفیعی برای امامان در نظام آفرینش تبیین گردیده است. در نتیجه در باور شیعیان، اعتقاد به وساطت امامان در نعمت‌های الهی با دلائل نقلی قابل اثبات می‌باشد.

بیان آموزه وساطت در فیض از زمان پیامبر اسلام ﷺ تا به امروز در میان شیعیان مطرح بوده است. وجود گزارشاتی که حاکی از آشنایی اصحاب ائمه علیهم‌السلام با چنین شأنی برای امام است، گویای چنین حقیقتی می‌باشد. در روایتی از امام رضا علیه‌السلام سؤال شد:

آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ حضرت فرمودند: خیر. راوی گفت: برای ما روایت کرده‌اند که زمین بدون امام باقی نمی‌ماند مگر این که خداوند بر بندگان خشم و غضب می‌نماید. حضرت فرمودند با نبود امام، زمین اساساً بقائی نخواهد داشت بلکه فرو می‌رود (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۱۷۹).

نعمت امنیت و آرامش زمین از جمله فیوضاتی است که به سبب امام، نصیب بندگان شده است. این فیوضات از رحمت الهی نشأت می‌گیرد که در صورت خشم و غضب خداوند از بندگان، سلب خواهد شد.

این گزارش گویای آشنایی راوی با مضمون وساطت است که یا خواستار تأیید از امام بوده یا کیفیت آن را پرسش می‌کند. روایت چهارم، دهم و یازدهم همین باب (إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حِجَّةٍ) از کتاب کافی، که از افراد متعددی این پرسش صادر شده است به آشنایی اصحاب از این آموزه اشاره دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۱۷۹).<sup>۱</sup> علاوه بر آنها وجود زیارات و روایاتی که شیعیان را با این شأن از شئون امام آشنا می‌گردانند، شاهد دیگری بر این مدعا خواهند بود. زیاراتی مانند جامعه کبیره و زیارت سیدالشهداء علیه‌السلام را می‌توان از جمله آنها معرفی کرد.<sup>۲</sup> البته در ادامه،

۱. محمد بن فضیل، ابی حمزه و حسین بن ابی العلاء.

۲. فقره‌ای از زیارت جامعه کبیره: «خداوند به سبب شما آغاز می‌کند و به شما خاتمه می‌دهد، هم چنین به واسطه شما باران نازل می‌کند و آسمان را از این که بر زمین فرو افتد نگاه می‌دارد و غم و اندوه و مشکلات را بر طرف می‌سازد»

به فقراتی از این زیارات در تبیین شأن وساطت و نحوه استدلال به آن پرداخته می‌شود. روایاتی که حاکی از شأن و جایگاه وساطت امام می‌باشد از حیث اجمال و تفصیل به دو دسته تقسیم می‌شوند. برخی از آنها اخباری است که به صورت اجمال به این موضوع اشاره کرده‌اند؛ مانند «بکم فتح الله و بکم یختم» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۲، ۶۱۵)، «بنا ینشر الرحمة» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۸۶). به صورت کلی و بدون بیان جزئیاتی در این وساطت، فرمودند که گشایش و خاتمه فیض و انتشار رحمت الهی به واسطه حجت‌های خداوند صورت می‌گیرد. برخی دیگر به صورت تفصیلی به بیان اموری جزئی در این وساطت پرداخته‌اند که در این نوشتار به صورت جداگانه به هر کدام پرداخته می‌شود.<sup>۱</sup> وجود امام نه تنها در میان اجتماع انسانی بلکه در کل عالم آفرینش، مانند قلبی در جسد انسان است. همان‌گونه که مهم‌ترین آثار حیاتی از قلب انسان نشأت می‌گیرد؛ امام نیز به اعتبار این‌که قلب عالم امکان است و ولایت کلیه الهیه دارد سبب نزول فیوضات الهی از جمله فیض وجود بر مخلوقات می‌باشد. در نتیجه همان‌طور که نیاز به قلب برای حیات انسانی ضروری است، وجود امام نیز برای بقاء و دوام فیوضات الهی بر جسد عالم هستی ضروری خواهد بود. اکنون با چنین مقدمه‌ای، کلمات و زیارات اهل بیت علیهم‌السلام ما را با عناوینی آشنا کرده‌اند که به ترتیب مورد اشاره قرار می‌گیرند.

### ۱. بقاء نظام هستی

رابطه نظام آفرینش با وجود امام به گونه‌ای است که وجود و بقاء آن بستگی به وجود و بقاء امام دارد. در این صورت برای بقاء این جهان، وجود امام امری ضروری خواهد بود. روایات زیادی، این مطلب را مورد توجه قرار داده است که برخی از آنها ضرورت وجود امام و حجت

(من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ۶۱۵).

فقره‌ای از زیارت سیدالشهداء علیه‌السلام: «خداوند متعال به واسطه شما هر آن‌چه را که بخواهد محو و اثبات می‌کند، خواری را از گردن‌های ما خارج کرده است، هر مؤمنی که خورش به ناحق ریخته شده است به واسطه شما طلب آن خون می‌شود، به سبب شما زمین درختان را می‌رویانند و هم‌چنین درختان میوه‌های خود را به ثمر می‌نشانند، به واسطه شما آسمان قطرات و رزقش را فرو می‌ریزد، ناخوشی‌ها را می‌زداید، خداوند باران رحمتش را نازل می‌کند، زمینی که حامل بدن هاست ثابت می‌ماند و کوه‌ها در مکان‌های خود استقرار می‌یابد. اراده خداوند در مقادیر امور، به سوی شما فرو می‌آید و از خانه‌های شما صادر می‌شود» (الکافی، ج ۴، ۵۷۷، ح ۲، باب زیارة قبرابی عبدالله الحسین بن علی علیه‌السلام).

۱. مانند وساطت در بقاء زمین که در ادامه خواهد آمد: «لو بقیت الارض بغير امام لساخت»؛ اگر زمین بدون امام باشد فرو می‌ریزد. (الکافی، ج ۱، ۱۷۹، ح ۱۰) و «جعلهم الله ارکان الارض أن تمید بأهلها»؛ خداوند امامان را ارکان زمین قرار داده است تا از حرکت دادن اهلش جلوگیری کند. (بصائر الدرجات، ج ۱، ۱۹۹، ح ۱) در این‌جا بقاء زمین به عنوان جزئی از مخلوقات عالم مورد توجه قرار گرفته است و بقاء آن را متوقف بر وجود امام دانسته که رکن زمین می‌باشد.

الهی را در زمین و برخی نیز آثار نبودن امام را بیان می‌کنند.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند:

زمین نیست، مگر این که حجت خدا در آن وجود داشته باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۳، ۵۱).

امام باقر علیه السلام نیز فرمودند:

از روزی که حضرت آدم از دنیا رفت تا کنون زمین خالی از وجود حجت الهی نبوده است و هم چنین بدون حجت هم نخواهد ماند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۳، ۲۲).

هم چنین ایشان می‌فرمایند:

زمین بدون امامی که ظاهر باشد یا غائب، باقی نمی‌ماند (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۳۱).

از جمله احادیثی که اثر نبودن امام را بیان کرده‌اند روایت زیر می‌باشد.

به امام صادق علیه السلام گفته شد آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ حضرت فرمودند:

لا تبقی اذا لساخت؛

زمین باقی نمی‌ماند و آن چه بر روی خود دارد را فرو می‌برد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۳، ۲۴).

در این کلام تاکید شده که زمین در صورت خالی بودن از حجت الهی، قرار خویش را از دست داده و اهلش را نابود می‌کند. بنابراین وجود امام، تنها برای این نیست که خلق در هدایت و اصلاح دین و دنیایشان نیازمند به ایشان هستند؛ بلکه باید گفت این زمین و اهلش به سبب وجود امام، قرار یافته و لحظه بدون حجت خدا باقی نمی‌ماند. این مطلب را می‌توان از کلام امام باقر و امام رضا علیهما السلام استفاده نمود. امام باقر علیه السلام در روایتی چنین فرمودند:

اگر امام لحظه‌ای از زمین برداشته شود، زمین اهلش را به خود می‌پیچد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۷۹).

هم چنین امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

اگر چشم بر هم زنی حجت خدا در روی زمین نباشد زمین به همراه اهلش به خود می‌پیچد» (عاملی، ۱۴۲۵: ج ۱، ۱۳۳).

لفظ «ساعة» و «طرفه عین» در این دو روایت قابل توجه می‌باشد. بیان دو نکته متناسب با مسئله وساطت، در این جا ضروری به نظر می‌رسد.

نکته اول: در مورد روایاتی که سبب نابودی زمین و اهل آن را، فقدان امام بیان کرده‌اند،



این احتمال وجود دارد که مراد از زمین، همان نظام آفرینش باشد. این که زمین، بیشتر مورد توجه قرار گرفته به لحاظ استقرار امام و مخاطبان کلام ایشان در زمین می باشد هرچند که امام بر همه عالم احاطه دارند.

**نکته دوم:** دو دسته از روایات هستند که اشاره به شأن وساطت اهل بیت علیهم السلام در وجود نظام آفرینش دارند. دسته اول، روایاتی است که وجود اهل بیت علیهم السلام را سبب بقای نظام آفرینش معرفی کرده اند. این روایات از ابتدای نوشتار تا کنون مورد توجه قرار گرفته است مانند کلام امام رضا علیه السلام که می فرمایند:

لو خلت الارض طرفة عين من حجة لساخت بأهلها؛

یعنی اگر زمین چشم بر هم زدنی، خالی از وجود امام باشد زمین اهلش را می بلعد (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۴۸۹).

دسته دوم، اهل بیت علیهم السلام را سبب ایجاد نظام آفرینش معرفی می کنند. در روایات بسیاری چنین آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان معصوم ایشان علیهم السلام سبب ایجاد مخلوقاتند و اگر این چنین نبود، هیچ مخلوقی به وجود نمی آمد (بحرانی، ۱۴۲۲: ۲۶-۴۲).

امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوند در پاسخ به پرسش ملائکه درباره نور عظیمی که مشاهده کردند برایشان وحی کرد که این نور از نور من می باشد. اصل آن نبوت و فرعی امامت است که نور نبوت را در وجود نبی و رسول خود محمد صلی الله علیه و آله قرار داده و نور امامت را در وجود حجت خود علی علیه السلام قرار داد. اگر این دو نبودند هیچ یک از مخلوقات را خلق نمی کردم (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۳۵۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

زمانی که به معراج رفتم خداوند بر من وحی کرد که اگر شما و اوصیاء معصومین نبودید، دنیا، آخرت، بهشت و جهنم را خلق نمی کردم (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۷۲).

## ۲. امنیت زمینیان

۹۷

امنیت اهل زمین، از دیگر فوائد وجودی امام و حجت الهی است. با توجه به بخشی از روایات، خداوند امام را رکن زمین قرار داد تا مانع از به حرکت در آمدن اهل آن باشد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۹۶). هم چنان که ارکان هر بنایی، سبب ثبات و بقای آن بنا شده است؛ حجت های الهی نیز به عنوان ارکان زمین موجب ثبات و بقاء زمین می باشند. با توجه به این

روایات، در صورت فقدان امام، زمین لحظه‌ای آرام نمی‌یابد بلکه تمام اهل خویش را می‌بلعد و نابود می‌گرداند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۰۲؛ صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۴۸۹). پیشوایان معصوم، گاهی برای رساندن این معنا، امام را تشبیه به ستارگان در آسمان کرده‌اند. چنان‌که ستارگان، امنیتِ آسمانیان را تأمین می‌کنند، اهل زمین نیز به واسطهٔ امامان در امان خواهند بود (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۰۵). در نتیجه از ظهور روایات مذکور، چنین استفاده می‌شود که زمین قرار خویش را به برکت وجود حجت‌های الهی به دست آورده است.

با توجه به اطلاق «أهل الأرض» و عدم تقیید به گروه خاصی از موجودات، بقای سائر ساکنین روی زمین، مانند حیوانات و جنیان نیز متوقف بر وجود امام و حجت الهی می‌باشد. بعد از توضیح عنوان یاد شده، در ادامه به موارد دیگری در وساطت که به نحوی با عنوان اصلی (امنیت زمینیان)، مرتبط می‌باشند اشاره می‌گردد.

#### الف) استقرار زمین

زمین با فقدان حجت الهی چنان به اضطراب می‌افتد که امام باقر علیه السلام آن را تشبیه به موج شدن دریا کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۷۹).<sup>۱</sup> اگرچه لازمهٔ چنین حالتی در زمین، نابودی اهل آن می‌باشد ولی آن‌چه در این روایت به صراحت بیان شده اضطراب خود زمین به عنوان یک مخلوق است، اگرچه اهل زمین نیز به تبع آن به اضطراب می‌افتند. شخصی از امام کاظم علیه السلام پرسید:

آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ حضرت فرمودند: خیر، آن شخص دوباره پرسید: روایتی به ما رسیده است که باقی نمی‌ماند مگر آن‌که خداوند بر بندگانش خشم می‌گیرد، امام فرمودند: در صورت عدم وجود امام، زمین اساساً بقائی نخواهد داشت زیرا اگر بدون امام باشد اهلش را فرو می‌برد (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۰۳).

هم‌چنین در متن یکی از زیارات امام حسین علیه السلام آمده است:

تَسْتَقِرُّ جِبَاهُهَا عَنْ مَرَائِسِيهَا؛

به سبب شما اهل بیت علیهم السلام خداوند کوه‌ها را در مکان‌های خود مستقر می‌گرداند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴، ۵۷۷).

۱. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِيهِ»؛ اگر امام از زمین لحظه‌ای برداشته شود، همان‌گونه که امواج دریا اهلش را در خود می‌پیچد و نابود می‌کند زمین نیز با اهلش چنین خواهد کرد.

چنان چه در برخی از روایات از امام به «أوتاداً فی أرضه» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۶، ۲۵۶؛ حلبی، ۱۴۰۴: ۴۱۹)، «دَعَائِمُ الْأَوْتَادِ» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۲۴۵) تشبیه شده است. کوه‌ها که به حکم قرآن<sup>۱</sup> خود باعث قوام زمین از حرکت و اضطراب می‌باشند، همین کوه‌ها به برکت وجود امام استقرار یافته‌اند. البته برخی از مفسران بزرگ شیعه مراد از «رواسی» در این آیه را نیز امام دانسته‌اند و روایتی را که می‌فرماید: «جَعَلَهُمُ (الائمه) اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا» (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۹۹) اشاره به آن می‌دانند (لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۲، ۷۰۱).

علاوه بر آنها توصیف امام در زیارات به «أركان البلاد» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۲۴۵؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲۰۵؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۲، ۶۱۰)، «أركان الأرض» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴، ۵۵۹؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۴۵) و روایاتی که مشتمل بر چنین تعبیری است ظهورشان دلالت بر جایگاه سببی و وساطت در فیوضات الهی دارند. رکن، چیزی است که استقرار و دوام چیزی به آن بستگی دارد. بنابراین معنای این عبارات چنین می‌شود که استقرار و قوام شهرها به برکت وجود امام می‌باشد. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا مراد از ارکان بودن برای بلاد، خود بلاد مراد است یا اهل آن؟ در صورتی که کلمه «أهل» به عنوان مضافی برای آن در تقدیر باشد، مراد از آن «أركان أهل البلاد» خواهد بود. ولی به نظر می‌رسد، با توجه به ظاهر لفظ و اصل عدم تقدیر، منظور خود بلاد باشد. با این بیان مراد از «أركان الارض» نیز این چنین خواهد بود. در نتیجه قوام این بلاد و زمین، به وجود امام و حجت الهی وابسته است.

### ب) استقرار آسمان

در یکی از فقرات زیارت جامعه کبیره چنین آمده است:

بِکُمْ یَسُکُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ؛

به سبب وجود شما (امامان)، خداوند آسمان را از وقوع بر زمین حفظ و نگهداری می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۹، ۱۴۴).<sup>۲</sup>

این جمله بیانگر نقش سببی و وساطت امامان، در استقرار آسمان می‌باشد. زائر با خواندن این زیارت، سبب بقای آسمان و عدم ریزش آن را به وجود امام در زمین نسبت می‌دهد. در کلامی از امام سجاد علیه السلام چنین بیان شده است:

۱. «وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ» (نحل: ۱۵)؛ «وَالجبال أوتادا» (نبأ: ۷).

۲. تعبیر علامه مجلسی رحمته الله درباره این زیارت چنین است: «انها أصح الزیارات سندا و أعمها موردا و أفصحها لفظا و أبلغها معنی و أعلاها شأنًا».

ما اهل بیت کسانی هستیم که به سبب ما خداوند آسمان را از این‌که بر زمین واقع شود نگه می‌دارد (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ج ۱، ۲۰۷).

نکته‌ای که در این‌جا مورد توجه قرار می‌گیرد، وجود عوامل و گناهان متعددی است که به حکم روایات و آیات قرآن، هر کدام به تنهایی می‌تواند منجر به سقوط آسمان شود. با وجود آن‌که چنین گناهی در روی زمین بارها اتفاق افتاده است ولی آسمان هنوز استقرار خود را دارد. سخنان کفر و شرک‌آمیز انسان‌ها، مانند نسبت دادن فرزند به خداوند، شریک قائل شدن برای او در مقام ربوبی، اتخاذ بت‌هایی برای عبادت، ادعای ألوهیت توسط انسان‌ها و هم‌چنین قتل انبیاء و اوصیاء الهی؛ همه به حکم قرآن<sup>۱</sup> و روایات (حویزی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۳۶۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۳۲۳) از عوامل فروپاشی نظام آفرینش می‌باشند. در واقع با وقوع چنین گناهی، علت آرامش آسمان و زمین را باید در وجود امام و حجت الهی جستجو کرد. این همان چیزی است که در زیارت جامعه کبیره و برخی از روایات به آن اشاره شده است. هم‌چنین احتمال دارد<sup>۲</sup> گفتار امام رضا علیه السلام که فرمودند: «بنا یمسک السماوات و الارض أن تزولا» ناظر به همین مطلب دانست (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۰۲). یعنی آسمان و زمین به سبب ما امامان از فروپاشی (که اسباب مختلفی از گناهان دارد) حفظ می‌گردد. چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از قرائت آیه ۴۱ سوره فاطر فرمودند:

به جهت تعظیم امر تو، دائماً آسمان‌ها تا به امروز در آرامش بودند (کوفی، بی‌تا: ۳۵۰).<sup>۳</sup>

در نتیجه با وجود اسباب سقوط آسمان، خداوند با قرار دادن امام از ریزش و فروپاشی آن جلوگیری می‌نماید.

### ۳. رفع عذاب از اهل زمین

بنابر روایات موجود در منابع حدیثی، نه تنها زمین با فقدان امام، قرار خویش را از دست می‌دهد؛ بلکه خداوند نیز در چنین شرائطی، عذاب خویش را بر اهل زمین نازل می‌کند (عده‌ای

۱. «از این‌که برای خداوند فرزندی را قائل شدند نزدیک است که آسمان‌ها از این سخن بشکافد و زمین منشق گردد و کوه‌ها در هم شکسته و فرو باشد» (مریم: ۹۰-۹۱).

۲. اگرچه احتمال دیگری که در این آیه و روایات داده می‌شود طرفداران بسیاری دارد. احتمالی که می‌فرماید: اساساً نظام هستی استقرارش وابسته به وجود امام و حجت الهی است و آسمان و زمین نیز از اجزاء این نظام می‌باشند. در نتیجه حتی در صورت عدم وقوع گناهان مذکور نیز، آسمان و زمین دوامی نخواهند داشت مگر به وجود حجت الهی. نگارنده نیز با چنین برداشتی مخالفت ندارد بلکه فقط احتمال دیگری در عبارت «أن تزولا» داده است.

۳. «فَمَا زَالَتْ إِلَّا يَوْمَئِذٍ تَعْظِيمًا لِأَمْرِكَ».

از علماء، ۱۴۲۳: ۱۴۰). گاهی اهل بیت علیهم السلام در ضمن معرفی ویژگی‌ها و شئونات خویش می‌فرمایند:

ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه ما عذاب را از شما (مردم) منصرف می‌گرداند (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۶۳).

زائران نیز در حین زیارت، به دستور پیشوایان دینی خطاب به ایشان می‌گویند:

به سبب وجود شما (امامان) از عذاب در امان می‌باشیم (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۹، ۲۰۵).

برخی دیگر از روایات، هم دفع عذاب الهی از اهل زمین و هم رفع آن را به سبب وجود امام بیان کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۵۴۴). چنان‌که وقتی یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام از علت نیاز به وجود نبی و امام پرسش می‌کند، امام در پاسخ به او می‌فرماید:

این نیاز به سبب بقاء نظام هستی بر صلاح خود می‌باشد و آن نیز به این شکل است که خداوند در صورتی عذاب را از اهل زمین رفع می‌کند که در آن نبی یا امامی وجود داشته باشد (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۲۳).

پس از آن امام استناد به آیه «ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم»<sup>۱</sup> می‌نماید تا شاهد این مطلب را در کلام خداوند بیان کرده باشند. این آیه به صراحت گویای نقش و جایگاه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در امنیت اهل زمین می‌باشد. از آن جا که امام، قائم مقام پیامبر در تمام شئونات به غیر از نبوت است؛ به اذن الهی نیز دارای چنین جایگاهی می‌باشد. بنابراین با وجود ایشان، عذاب الهی از اهل زمین دفع می‌گردد. وجود ایشان در دفع عذاب الهی تا بدان حد است که اگر کسی در خواب، امام را در حال داخل شدن بر منطقه‌ای ببیند، اهل بیت علیهم السلام آن را تعبیر به آسایش و امنیت اهل آن کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۱۰). در نتیجه ظهور این روایات دلالت دارد بر این که یکی از فوائد و آثار وجودی امام و حجت الهی، رفع و دفع عذاب عمومی از اهل زمین می‌باشد.

سنت و روش پروردگار در عذاب جزئی<sup>۲</sup> پیشینیان به نحوی با وجود حجت‌های الهی مرتبط می‌باشد. عادت مقرر الهی بر این است که هرگاه قومی یا شهری را عذاب می‌کند حجت و نبی خود را از میان آنان خارج کرده سپس عذاب را برایشان نازل

۱. «خداوند بنا ندارد ایشان را با آن‌که تو در میانشان هستی عذاب کند» (انفال: ۳۳).

۲. عذاب جزئی در مقابل عذاب کلی و عمومی است و مربوط به عذاب منطقه و بخشی از بلاد در زمین می‌باشد. ولی عذاب کلی و عمومی مربوط به همه زمین خواهد بود.

می‌گرداند.<sup>۱</sup> بنابراین خداوند بر اساس چنین سنتی اگر بخواهد همه زمین را عذاب نماید، امام را از روی زمین برمی‌دارد تا این امر واقع شود. زیرا مادامی که حجت الهی در روی زمین است این امر (عذاب کلی و عمومی) صورت نمی‌گیرد.

هم چنین عذاب‌های جزئی که گاهی در گوشه و کنار زمین واقع می‌شود، منافاتی با عنوان این بخش ندارد زیرا ممکن است مراد از اینها، عذاب‌های عمومی باشد. عذابی که تمام موجودات روی زمین را شامل می‌شود. علاوه بر آن ممکن است مربوط به عذاب‌هایی باشد که دیگر در زمان ما واقع نمی‌شود، مانند مسخ شدن و غیره که در زمان اقوام گذشته اتفاق می‌افتاد.

پرسشی که ممکن است مطرح شود فرق این اثر (رفع عذاب از اهل زمین) با عنوان قبلی (امنیت زمینیان) می‌باشد. اگرچه برخی این دو عنوان را به صورت واحد مورد بررسی قرار داده‌اند ولی به نظر نگارنده می‌توانند دو اثر متفاوت به شمار آیند. در مورد «امنیت زمینیان» ظاهر کلام، ناظر به اموری زمینی مانند؛ عدم استقرار آن، فروپاشی شهرها، کوه‌ها و دریاها می‌باشد ولی در «رفع عذاب الهی» اموری اعم از آن موارد را شامل می‌شود. زیرا گاهی عذاب از آسمان و با امری غیر از امور زمینی صورت می‌یابد.

#### ۴. بقاء فرصت اصلاح و إمهال گنهکاران

ابتدا باید تفاوت این عنوان را با عنوان قبلی بیان کرد. عنوان قبلی عام بوده و موجودات غیر از انسان را شامل می‌شود. یعنی تمام موجودات روی زمین به برکت وجود حجت الهی مأمون از عذاب خواهند بود ولی این عنوان مربوط به اهل تکلیف است که اخص از مورد عنوان قبل می‌باشد.

برای شکل‌گیری هدف بندگی<sup>۲</sup> در جهان، نیاز به وجود بندگان و بقاء نظام هستی است. این دو امر نیز به وجود حجت الهی بستگی دارد. حال اگر خداوند برای اصلاح آدمی فرصتی به بندگان خویش دهد، این امر جز در سایه وجود حجت الهی محقق نمی‌گردد. در واقع امام و حجت الهی، موجب بقاء فرصت توبه و بازگشت به هدف بندگی است. از طرفی در صورت فرصت ندادن، حجت خویش را از میان مردم برمی‌دارد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

۱. اعراف: ۷۲، ۸۳-۸۴ و ۱۶۵.

۲. «وما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (ذاریات: ۵۶).

هر زمانی که خداوند در میان بندگان نظری (برای اصلاح) ایشان نداشته باشد ما را از میان آنان برمی‌دارد (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۴: ۱۹۳).<sup>۱</sup>

علامه مجلسی نیز در تبیین این روایت به این نکته که فرصت اصلاح، نیاز به وجود امام دارد اشاره می‌نماید (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۴: ۱۹۴).<sup>۲</sup> هم‌چنین پیشوای ششم شیعیان چنین می‌فرماید:

زمین با وجود حجت الهی دائماً به حال خود باقی است... و اگر حجت الهی از زمین برداشته شود باب توبه نیز بسته خواهد شد (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۲۳۶).<sup>۳</sup>

اهل معاصی نیز اگر فرصت اصلاح می‌خواهند با وجود امام این فرصت باقی است و اگر قرار باشد براساس امتحان و اجرای سنت إمهال، در معاصی غوطه‌ور شوند باز هم وجود امام، ضروری خواهد بود. هم‌چنین امام باقر علیه السلام در پاسخ به پرسش از چرایی احتیاج به امام و نبی، مواردی را بیان می‌کنند که یکی از آنها إمهال اهل معاصی است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۲۳).<sup>۴</sup> بنابراین یکی دیگر از آثار حجت الهی، بقاء فرصت اصلاح و إمهال اهل معاصی می‌باشد که خداوند به سبب وجود امام، در عذاب گنهاران عجله نمی‌کند.

## ۵. وساطت اهل بیت علیهم السلام در وصول نعمت‌ها

### الف، نزول باران

از دیگر برکات وجودی امام وساطت در نزول باران می‌باشد. در زیارت جامعه کبیره آمده است:

بکم ينزل الغيث؛

به سبب شما باران نازل می‌شود (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۲، ۶۱۵).

این عبارت شامل دو معناست یکی نزول باران به برکت وجود ایشان و دیگری نزول باران به دعاء ایشان. با توجه به ظاهر این کلام و أصل عدم تقدیر، دلالت بر معنای اول دارد که خداوند

۱. «وَ نَحْنُ الْوَجْهُ الَّذِي يُؤْتِي اللَّهُ مِنْهُ لِمَ نَزَلَ فِي عِبَادِهِ مَا دَامَ اللَّهُ لَهُ فِيهِمْ رَوْيَةٌ فَإِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِيهِمْ رَوْيَةٌ رَفَعْنَا إِلَيْهِ فَفَعَلَ بِنَا مَا أَحَبَّ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا الرَّوْيَةُ قَالَ الْحَاجَّةُ».

۲. بیان مجلسی علیه السلام: «الروية إما بالتشديد بمعنى التفكير فإن من له حاجة إلى أحد ينظر و يتفكر في إصلاح أموره أو بالتخفيف مهموزاً أي نظر رحمة و الأظهر أنه كان بالباء الموحدة قال الفيروزآبادي الروبة و يضم الحاجة و على التقادير هي كناية عن إرادة بقائهم و خيرهم و صلاحهم».

۳. «فَإِذَا رُفِعَتِ الْحُجَّةُ أُغْلِقَ تَابُ التَّوْبَةِ وَ لَمْ يَنْفَعِ نَفْساً إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمْنَتْ مِنْ قَبْلِ» أَنْ تُزْفَعَ الْحُجَّةُ».

۴. «وَ بِهِمْ يُنْهَلُ أَهْلُ الْمَعَاصِي وَ لَا يُعْجَلُ عَلَيْهِمْ بِالْعُقُوبَةِ».

باران را به برکت وجود ایشان نازل می‌کند. گرچه این معنا با نزول باران به سبب دعاء امام منافات ندارد. پیشوایان دین اسلام بارها خود را با عباراتی مانند «بنا ينزل الغيث» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۰۲)، «بنا ينزل الغيث من السماء» (کوفی: ۲۵۸؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۶۹)، «بنا يسقون الغيث» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۰۶)، «بنا نزل غيث السماء» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۴۴؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۰۰) توصیف نموده‌اند. گویا وجه تاکید بر این مورد این است که آب، مایه حیات همه موجودات زنده است، چنان‌که قرآن می‌فرماید:

﴿وجعلنا من الماء كل شيء حي﴾<sup>۱</sup>

هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم.

در واقع این جمله از زیارت اشاره بر حدوث و بقاء موجودات، به برکت حجت‌های الهی دارد (حسینی میلانی، ۱۳۹۰: ج ۳، ۱۸۵). در روایات به موارد دیگری که مرتبط با این عنوان است اشاره شده است. در ادامه به ترتیب، این عناوین مطرح می‌گردد.

#### ب) جریان رودخانه ها

امام صادق علیه السلام در توصیف مقام امامت خویش می‌فرماید:

بِنَا... جَرَّتِ الْأَنْهَارُ؛

خداوند به واسطه ما امامان، نهرها را جاری می‌گرداند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۱۴۴).

این جریان می‌تواند به سبب نزول باران باشد که نزول باران نیز به سبب وجود امام و حجت الهی بوده است. البته برخی از شارحان بزرگ کتاب کافی می‌فرماید:

احتمال دارد این مطلب اشاره باشد به ظهور کمالات نفسانی و جسمانی انسان و رسیدن به نهایت مطلوب که علم و امثال آن می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۱۱۸).

البته براساس ظاهر لفظ و عدم مانع برای چنین معنایی، همان معنای اول رجحان دارد.

#### ج) نزول أرزاق

در متن زیارت امام حسین علیه السلام آمده است:

بِكُمْ تُنَزَّلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَرِزْقَهَا؛

به سبب شماست که از آسمان باران و رزق نازل می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴، ۵۷۷).

۱. انبیاء: ۳۰.



باید توجه داشت که جمیع ارزاق بندگان از باران به عمل می‌آید. خداوند عزوجل می‌فرماید: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ»<sup>۱</sup>، «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَآخَرَجَ بِهِ مِنَ الشَّجَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ»<sup>۲</sup> و علاوه بر آنها در آیه «وَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»<sup>۳</sup> این حقیقت را بیان می‌کند. نکته این‌که در آیه اخیر از آب باران، تعبیر به رزق شده است و چنین فرموده که خداوند از آسمان «رزق» را نازل می‌کند و زمین مرده را زنده می‌گرداند. شاهد این مدعا نیز آیه ۶۵ سوره نحل می‌باشد که به جای «مِنْ رِزْقٍ» کلمه «ماء» آورده است.<sup>۴</sup> وقتی خداوند باران رحمت‌اش را به واسطه امام، نازل و به تبع آن رزق بندگان را فراهم می‌کند، در نتیجه می‌توان امام و حجت الهی را ولی نعمت بندگان نامید. همین مطلب را، زائران اهل بیت علیهم‌السلام در حین زیارت با تعبیر «اولیاء النعم» با تمام وجود زمزمه می‌کنند (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۲، ۶۱۰). در برخی از روایات از چنین مطلبی تعبیر به «بِهِمْ يَرْزُقُ اللَّهُ عِبَادَهُ» شده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۲۴).<sup>۵</sup> چنین عباراتی بر وساطت امام در فیض الهی دلالت داشته و از آثار وجودی امام می‌باشد.

علاوه بر مطالب بالا روزی ابوحنیفه با امام صادق علیه‌السلام بر سر خوان طعام بودند. امام هنگام دست کشیدن از طعام چنین دعا کردند: «الحمد لله رب العالمين اللهم هذا منك و من رسولك» ابوحنیفه بلافاصله به عنوان اعتراض به امام گفت: آیا برای خداوند در رزق شریک قرار دادی؟! امام در پاسخ او به آیاتی استناد کردند که ابوحنیفه پس از شنیدن آنها به عجز خود در مقابل امام اقرار کرد (کراچی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۶). این گفتگو به وضوح نقش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در نزول ارزاق بیان می‌دارد.

#### د، خروج برکات زمین

برکات زمین اعم از درختان و ثمر آنها، سبزه‌ها، چشمه‌ها و غیره به سبب وجود امام و حجت الهی بروز می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۲۴).<sup>۶</sup> اگرچه باران به طور طبیعی سبب روئیدن گیاهان می‌باشد ولی با این حال خداوند رویش آنها را متوقف بر وجود امام نیز کرده است. در

۱. ذاریات: ۲۲.

۲. بقره: ۲۲.

۳. جائیه: ۵.

۴. «وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (نحل: ۶۵).

۵. «خداوند به واسطه شما (امامان) به بندگان رزق می‌دهد».

۶. «بِهِمْ تَخْرُجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ».

واقع همان‌گونه که فاعلیت باران به وجود امام وابسته می‌باشد، قابلیت زمین نیز برای إخراج برکاتش به وجود امام نیازمند است. در ادامه به برخی از مصادیق برکات زمین که از روایات و زیارات استفاده شده است اشاره می‌گردد.

### ۱. روئیدن درختان

در زیارت امام حسین علیه السلام آمده است:

بِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا؛

به سبب شما (امامان) زمین درختان خود را می‌رویاند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴، ۵۷۶).

علامه مجلسی در توضیح چنین مضمونی می‌فرماید:

از آن‌جا که غایت در خلقت عالم براساس آیات و روایات، معرفت و عبادت پروردگار است و معرفت و عبادت کامل نیز از غیر امامان صادر نمی‌شود. در نتیجه ایشان سبب نظام عالم خواهند بود زیرا با وجود ایشان غرض و غایت حاصل شده است. بنابراین نظام عالم با فقدان امام مختل می‌گردد زیرا که غایت خلقت نیز منتفی می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۱۱۷).

به عبارت دیگر امامی که معرفت و عبادت کامل با وجود او انجام می‌شود غرض از نظام خلقت را محقق می‌سازد. در صورت نبودن ایشان نیز غرض هم از بین می‌رود لذا نظام خلقت از هم فرو می‌پاشد. در نتیجه روئیدن درختان که جزئی از این نعمت‌ها هستند به سبب وجود امام و حجت خداوند می‌باشد.

### ۲. میوه دادن درختان

هم چنین در همان زیارت امام حسین علیه السلام خوانده می‌شود:

بِكُمْ تُخْرِجُ الْأَشْجَارُ أَثْمَارَهَا؛

به واسطه شما (امامان) درختان نیز به ثمر می‌نشینند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴، ۵۷۶).

تعبیر دیگری در روایات هم چون «بِنَا أَثْمَرَتِ الْأَشْجَارُ وَ أَيْتَعَتِ الْجُمَارُ» به چنین شأنی اشاره کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۴۴).

### ۳. روئیدن انواع گیاهان روی زمین

امام صادق علیه السلام در بیان شئون امام می‌فرماید:

يَتَأْتِي... يَنْبِتُ عُشْبُ الْأَرْضِ؛

به برکت وجود ما امامان، گیاهان در زمین می‌رویند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۴۴).

در نهایت بعد از تبیین موارد متعددی از وساطت امام و حجت الهی، بیان دو نکته ضروری است. ابتدا باید گفت موارد یاد شده در روایات از باب ذکر نمونه بوده است و منحصر در آنها نمی‌باشد. بنابراین، حوادث و رخداد‌های بسیاری وجود دارد که نقش وساطت امامان در آنها نیز جاری است. می‌توان گفت ذکر هر یک از این قبیل نعمت‌ها به منظور تعلیم و تربیت دانشجویان مکتب عالی تشیع است که آنان را متوجه مقام رسالت و ولایت می‌کند. دیگر این‌که چنین نقش و جایگاهی که حجت‌های الهی در نظام آفرینش دارند، مسئله‌ای قراردادی و اعتباری نیست. این جایگاه رفیع، ناشی از مقام و مرتبه وجودی آنان در نظام هستی است. آنان، به دلیل قرب وجودی بیشتری که به خداوند متعال دارند، از چنین جایگاهی در عالم آفرینش برخوردارند.

### نتیجه‌گیری

با وجود واقع شدن در زمان غیبت امام دوازدهم و انتشار شبهات از جانب مخالفین مکتب تشیع در عدم ترتب فائده بر وجود امام غائب علیه السلام، اهمیت معرفت و شناخت فوائد وجودی امام را ضروری می‌نماید. در میان فوائد مترتب بر وجود امام، آثار صرف‌الوجودی ایشان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این نوشتار بر اساس آنچه گذشت، با توجه به روایات، شأن و جایگاه امام در وساطت فیض الهی، تبیین گردید و آثار متعددی که مترتب بر صرف وجود امام است مورد توجه قرار گرفت. امام با چنین جایگاهی در عالم، سبب بقای نظام هستی بوده و استقرار آسمان، زمین، کوه‌ها، شهرها و هم‌چنین رفع عذاب از اهل زمین و بقاء فرصت اصلاح آنان از جمله آثار وجود ایشان به شمار آمده است. علاوه بر آنها نزول برکات آسمانی چون باران و آرزاق مخلوقات، جاری شدن نهرها و خروج برکات زمینی چون روئیدن درختان، گیاهان و ثمر دادن آنها از دیگر آثار وجود امام در نظام هستی می‌باشد. پرداختن به این قسم از آثار علاوه بر تبیین بخشی از آموزه‌های شیعی به جهت ارتقاء سطح معرفتی پیروان مکتب تشیع، می‌تواند موجب تقویت باورها در مقابل شبهات مخالفین گردد.

## منابع

قرآن کریم

مفاتیح الجنان

۱. ابن بابویه، علی بن الحسین، *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، قم، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، اول، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *الأمالی*، تهران، کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ش.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *علل الشرائع*، قم، کتابفروشی داوری، اول، ۱۳۸۵ش / ۱۹۶۶م.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *کمال الدین وتمام النعمة*، تهران، اسلامیه، دوم، ۱۳۹۵ق.
۵. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *معانی الاخبار*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۰۳ق.
۶. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، *من لا يحضره الفقيه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ق.
۷. ابن سینا، رساله در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات و تسلسل اسباب و مسببات، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، دوم، ۱۳۸۳ش.
۸. ابن عطیه، جمیل حمود، *أبھی المراد فی شرح مؤتمر علماء بغداد*، بیروت، مؤسسة الأعلمی، اول، ۱۴۲۳ق.
۹. ابن فارس، أحمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، اول، ۱۴۰۴ق.
۱۰. ابن قولویه، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، نجف، دارالمرتضویة، اول، ۱۳۵۶ش.
۱۱. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، *المزار الکبیر*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۱۹ق.
۱۲. ابوالحسن، قاضی عبدالجبار، *المغنی فی أبواب التوحید والعدل*، قاهره، الدارالمصریه، ۱۹۶۵-۱۹۶۲م.
۱۳. ابوالصباح حلبی، تقی بن نجم، *تقریب المعارف*، قم، الهادی، اول، ۱۴۰۴ق.
۱۴. اشکوری، محمد بن علی، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران، دفتر نشر داد، اول، ۱۳۷۳ش.
۱۵. بحرانی، سیدهاشم، *غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص والعام*،

- بيروت، مؤسسة التاريخ العربي، اول، ١٤٢٢ق.
١٦. برقي، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دارالكتب الإسلامية، دوم، ١٣٧١ق.
١٧. تفتازاني، سعد الدين، شرح المقاصد، قم، الشريف الرضي، اول، ١٤٠٩ق.
١٨. حسيني ميلاني، سيد علي، با پيشوايان هدايتگر، قم، الحقائق، دوم، ١٣٩٠ش.
١٩. حسيني زبيدي، محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت، دارالفكر، اول، ١٤١٤ق.
٢٠. حنفي، عبد المنعم، المعجم الشامل لمصطلحات الفلسفة، قاهره، مكتبة مدبولي، سوم، ١٤٢٠ق.
٢١. خزاز رازي، علي بن محمد، كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر، قم، بيدار، ١٤٠١ق.
٢٢. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بيروت / دمشق، دارالقلم / الدار الشامية، اول، ١٤١٢ق.
٢٣. رباني گلبايگاني، علي، «مقاله نقش غائی امام در نظام آفرینش»، مجله انتظار موعود، شماره ٣١.
٢٤. زمخشري، محمود بن عمر، أساس البلاغة، بيروت، دارصادر، اول، ١٩٧٩م.
٢٥. سجادي، جعفر، فرهنگ اصطلاحات فلسفي ملاصدرا، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلام، اول، ١٣٧٩ش.
٢٦. سعاد الحكيم، المعجم الصوفي، بيروت، دندرة للطباعة و النشر، اول، بی تا.
٢٧. صدرالدين شيرازي، محمد بن ابراهيم، شرح اصول الكافي (صدر)، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگي، اول، ١٣٨٣ش.
٢٨. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عليهم السلام، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، دوم، ١٤٠٤ق.
٢٩. صليبا، جميل، المعجم الفلسفي بالألفاظ العربية والفرنسية والإنكليزية واللاتينية، بيروت، الشركة العالمية للكتاب، اول، ١٤١٤ق.
٣٠. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، تلخيص الشافي، قم، انتشارات المحبين، اول، ١٣٨٢ش.
٣١. عاملی، شیخ حرّ، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بيروت، أعلمی، اول، ١٤٢٥ق.
٣٢. عجم، رفیق، موسوعة مصطلحات الإمام الغزالي، بيروت، مكتبة لبنان ناشرون، اول، ٢٠٠٠م.

۳۳. عجم، رفیق، موسوعة مصطلحات التصوف الإسلامي، بیروت، مكتبة لبنان ناشرون، اول، ۱۹۹۹م.
۳۴. عده ای از علماء، الاصول الستة عشر، قم، مؤسسة دارالحدیث الثقافية، اول، ۱۴۲۳ق / ۱۳۸۱ش.
۳۵. العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعة، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ق.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن أحمد، العین، قم، نشر هجرت، دوم، ۱۴۰۹ق.
۳۷. کراچکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، قم، دارالذخائر، اول، ۱۴۱۰ق.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، تهران، دارالکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۹. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران، مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي، اول، بی تا.
۴۰. مجددی برکتی، محمد عمیم الاحسان، التعریفات الفقہیة، لبنان، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، دوم، ۲۰۰۹م.
۴۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الإسلامية، دوم، ۱۴۰۴ق.
۴۳. مفید، محمد بن محمد، الامالی، قم، کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
۴۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، المتنعة، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید علیه السلام، اول، ۱۴۱۳ق.
۴۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، رسائل فی الغیبة، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، اول، ۱۴۱۳ق.
۴۶. نوری، حسین بن محمد تقی، كشف الأستار عن وجه الغائب علیه السلام عن الأبصار، تهران، مكتبة نینوی الحدیثة، دوم، ۱۴۰۰ق.

